

گزارش‌ها و تحلیل‌ها

پنج نبرد جهانی شدن

که آزادانه و به سرعت از مرزهای ملی، به فساد اقدامات تروریستی حرکت می‌کنند، برای دولت‌ها دشوار می‌باشد. با این حال پوشش خبری وسیعی که به جنگ علیه تروریسم اختصاص یافت مانع از توجه به پنج جنگ مشابه جهانی که دولت‌ها را به مبارزه علیه شبکه‌های سریع‌الانتقال و دارای منافع مالی مناسب که از اشخاص بسیار پایبند به آرمان‌های خویش تشکیل شده‌اند گردیده است. این مبارزات، جنگ علیه تجارت بین‌المللی غیرقانونی مواد مخدر، اسلحه، مالکیت معنوی، انسان و پول می‌باشد. اشتیاق مذهبی با اهداف سیاسی تروریست‌ها را به پیش می‌راند. اما وعده منافع مالی عظیم آنان را که با دولت‌ها در

گسترش تجارت غیرقانونی مواد مخدر، تسلیحات، عدم رعایت مالکیت معنوی، انسان و پول، دولت‌ها را به مبارزه علیه این شبکه‌های سریع‌الانتقال بدون مرز و دارای منافع متعدد همچون جنگ بر علیه تروریسم، که توسط پدیده جهانی شدن توانمند گشته‌اند، فرا می‌خواند. تا زمانی که دولت‌ها استراتژی‌های جدیدی برای تعامل با چالشی بی‌سابقه که اکنون جهان را شکل می‌دهد وضع نمایند (به همان اندازه که منازعات میان دولت‌ها زمانی چنین عمل می‌کرد) آنها بازنده اینگونه جنگ‌ها خواهند بود.

ادامه حیات القاعده بر این نکته دلالت دارد که نابودی شبکه‌های بدون مرز و نامتمرکز

این پنج زمینه می‌جنگند انگیزه می‌بخشد. متأسفانه کسب سود انگیزه‌ای ضعیف‌تر از افراط‌گرایی مذهبی برای جنایت، ضرب و شتم و ناامنی جهانی نیست.

دولت‌ها در طول قرون گذشته به نحوی از انحاء با این پنج مشکل جنگیده‌اند و آنها را ساخته‌اند. البته به لطف تغییرات ناشی از جهانی شدن در طول دهه گذشته میزان شکست آنها حتی بیش از پیش به چشم می‌آید. یقیناً دولت-ملت‌ها از انقلاب اطلاعات، ارتباطات قوی‌تر سیاسی و اقتصادی و کاهش اهمیت فاصله جغرافیایی بهره برده‌اند. متأسفانه شبکه‌های جنایتکاران از این پدیده‌ها حتی بیشتر از دولت‌ها بهره جستند. این شبکه‌ها که هرگز از ناحیه قلمرو در قید و بند نبوده‌اند، اکنون به گونه‌ای فزاینده فارغ از محدودیت‌های جغرافیایی هستند. وانگهی پدیده جهانی شدن نه تنها بازارهای غیرقانونی این شبکه‌های جنایی را گسترش داده و میزان منابع آنها را رونق بخشیده، بلکه همچنین مسؤلیت‌های بیشتری را بر دوش دولت‌ها نهاده است. بودجه‌های عمومی فشرده‌تر، تمرکززدایی، خصوصی‌سازی، مقررات زدایی و یک محیط آزادتر برای سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل

وظیفه مبارزه علیه این جنایتکاران بین‌المللی را دشوارتر می‌سازد. دولت‌ها از بوروکراسی‌هایی ساخته شده‌اند که عموماً با دشواری با یکدیگر همکاری می‌کنند اما قاچاقچیان مواد مخدر، فروشندگان اسلحه، قاچاقچیان انسان، جاعلین اسناد و پول شویان، شبکه‌های خویش را با دانش بالایی پالایش کرده و وارد مجموعه‌ها و اتحادهای استراتژیکی کرده‌اند که فرهنگ‌ها و قاره‌ها را می‌پیماید.

شکست دادن این دشمنان شاید امکان‌پذیر باشد، اما اولین گام برای معکوس ساختن دست‌آوردهای عظیم اخیر آنان باید تشخیص شباهت‌های اساسی میان این پنج نبرد و عدم برخورد با آنها به عنوان مشکلات اجرایی قانون باشد. لازم است با آنها به عنوان یک روند جدید جهانی که دنیا را به اندازه مناقشات میان دولت-ملت‌ها در سالیان گذشته شکل بخشیده، برخورد شود. مقامات گمرکی، افسران پلیس، وکلا و قضات هرگز به تنهایی فاتح این جنگ‌ها نخواهند شد. دولت‌ها باید جاسوسان، سربازان، دیپلمات‌ها و اقتصاددانان بیشتری را که می‌دانند چگونه از انگیزه‌ها و مقررات برای دور نگه داشتن بازارها از نتایج بد اجتماعی بهره‌گیرند به استخدام خویش درآورند. تغییر مجموعه

مواد مخدر

شناخته شده‌ترین جنگ از میان این پنج جنگ، مبارزه علیه مواد مخدر است. براساس محاسبه گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹، تجارت سالانه مواد مخدر غیرقانونی بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار بوده که این رقم تقریباً به اندازه اقتصاد اسپانیا و حدود ۸٪ از تجارت جهانی می‌باشد. بسیاری از کشورها افزایش استفاده از مواد مخدر را گزارش می‌کنند. یک زنجیره عرضه جهانی درکار تهیه و گسترش مواد مخدر است که از هر چیزی شامل جت‌های مسافربری با قابلیت حمل محموله‌های کوکائین به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در هر سفر گرفته، تا زیردریایی‌هایی که بین کلمبو و پورتوریکو رفت و آمد می‌کنند، استفاده می‌نماید. برای خنثی کردن تلاش‌های عوامل اطلاعاتی و خبرچینان، قاچاقچیان مواد مخدر از تلفن‌های سیار و گیرنده‌های رادیویی بسیار پیشرفته استفاده می‌کنند و در همان حال بر ساختارهای پیچیده مالی که شرکت‌های قانونی و غیرقانونی را با تشکیلات دقیق و ساختارهای مالکیت گروهی تلفیق می‌سازد اتکا دارند.

سالانه ایالات متحده امریکا از ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار برای مبارزه علیه مواد مخدر

مهارت‌های این مبارزان دولتی نیز به تنهایی به این جنگ‌ها پایان نخواهد بخشید بلکه نهادها و اصول عقاید آنها نیز لازم است دگرگونی عظیمی یابد.

پنج جنگ

هر روزنامه‌ای راکه در هر کجای دنیا و در هر زمان نگاه کنید، در آن اخباری راجع به مهاجران غیرقانونی، مواد مخدر، سلاح‌های قاچاق و پول تظهیر شده یا کالاهای تقلبی خواهد یافت. تنها ده سال پیش، ماهیت جهانی این پنج جنگ غیرقابل تصور بود. منابع مالی، انسانی، سازمانی و فنی ارسال شده توسط این مبارزان به درجه عمیقی رسیده است و تعداد قربانیان آن نیز به میزان بی‌شماری بالغ گشته است. روش‌ها و حقه‌های هر دو طرف انسان را به حیرت وامی‌دارد. با این حال اگر کسی ابهام ناشی از عناوین خبری و تصاویر روزانه را کنار گذارد یک حقیقت انکار ناپذیر به چشم می‌خورد: دول جهان در حال مبارزه با یک پدیده کیفی با توسل به ابزار کهنه قوانین ناکافی، ترتیبات اداری غیر مؤثر و راهبردهای ناکارآمد هستند. جای تعجب نیست که شواهد حاکی از شکست دولت‌ها می‌باشد.

می‌شوند. مقامات اقرار کرده‌اند که دستگیری اخیر بنجامین آرانوفلیکس متهم به رهبری بی‌انتهاترین کارتل مواد مخدر، تأثیر بسیار اندکی در توقف جریان مواد مخدر در ایالات متحده آمریکا داشته است. همانطور که آرانو طی مصاحبه اخیرش از زندان گفت: آنها در مورد جنگ علیه برادران آرانو صحبت می‌کنند من اینجا هستم و هیچ چیز تغییر نکرده است و در حقیقت آنها بازنده اصلی هستند.

حمل و نقل اسلحه

غالباً اسلحه و مواد مخدر همراه هم انتقال می‌یابند. در سال ۱۹۹۹ نیروهای نظامی پرو ده هزار اسلحه آک-۴۷ - اس را برای نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا، مبارزان جنگ‌های پارتیزانی که با قاچاقچیان اسلحه و ناقلان مواد مخدر هم پیمان می‌باشند، به‌وسیله چتر فرو فرستادند و این گروه اسلحه‌ها را در اردن خریداری کرده بودند. امروزه در حدود ۸۰ میلیون دلار اسلحه آک-۴۷ - اس، در دست‌های خلافکاران قرار دارد. طبق آمار سازمان ملل، امروزه تنها ۱۸ میلیارد از ۵۵۰ میلیارد تسلیحات کوچک و سلاح‌های سبک در گردش توسط دولت‌ها، ارتش و نیروهای پلیس

هزینه می‌کند که بیشتر این مبلغ صرف تحریم و جاسوسی می‌شود. خلاقیت و جسارت کارتل‌های مواد مخدر هر روز با افزایش پی در پی منابع دولتی پیشی می‌گیرد. در پاسخ به کنترل امنیتی درمرز آمریکا و مکزیک قاچاقچیان مواد مخدر تونلی ساختند که از طریق آن هزاران کیلو مواد مخدر، و میلیاردها دلار پول نقد حمل می‌کردند، تا این که مقامات در مارس ۲۰۰۲ آن را کشف کردند. در طول دهه اخیر، موفقیت دولت‌های بولیوی و پرو در ریشه کن کردن کشت کوکائین باعث انتقال تولید آن به کلمبیا شده است. به‌رغم تلاش‌های قهرمانانه این کشورهای آمریکای جنوبی و کمک‌های تکنیکی و مالی عظیم از سوی ایالات متحده آمریکا سطح کل کشت کوکائین در پرو، کلمبیا و بولیوی در دهه اخیر از ۲۰۰۶/۲۰۰۰ هکتار در سال ۱۹۹۱ به ۲۱۰۹۳۹ در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ به گزارش اقتصاددانان جنگ دی سیسمون، قیمت متوسط یک گرم کوکائین در ایالات متحده از ۱۵۲ دلار به ۱۱۲ دلار کاهش یافت.

حتی زمانی که سرکردگان اصلی کارتل‌های مواد مخدر محاصره و یا کشته می‌شوند حریفان سابق ایشان جایگزین آنها

تروریسم بسیار قوی و در حال رشد است. عرضه محدود و تقاضای فزاینده باعث افزایش قیمت‌ها و انگیزه‌های قوی برای فعالیت‌های غیرقانونی می‌باشد. بیش از یک پنجم ۱۲۰ هزار کارگری که در شهرهای اتمی سابق روسیه مشغول کار بودند که بیش از نیمی از آنها ماهانه کمتر از ۵۰ دلار درآمد داشتند - اظهار می‌دارند که مایل به کار در مجتمع‌های نظامی کشوری دیگر هستند.

دولت‌ها به میزان زیادی در مهار عرضه و تقاضا ناتوان بوده‌اند. در سال‌های اخیر دو کشور هند و پاکستان به باشگاه قدرت‌های هسته‌ای اعلام شده پیوسته‌اند. تحریم تسلیحاتی سازمان ملل به منظور پیشگیری از فروش قطعات موتور هواپیماهای جنگنده جت به عراق از سوی یوگسلاوی و همچنین فروش سیستم‌های رادار ضدهواپیمایی استیلت موسوم به "کل چرها" از جانب اوکراین با شکست مواجه شد. تلاش‌های چندجانبه برای مهار تولید و توزیع تسلیحات به اهداف خود نمی‌رسد زیرا برخی قدرت‌ها مایل به پذیرش این محدودیت‌ها در فعالیت‌های تسلیحاتی خود نیستند. برای نمونه در سال ۲۰۰۱ دولت ایالات متحده یک معاهده جهانی الزام‌آور

مصرف می‌شود.

حساب‌های تجارت غیرقانونی برای ۲۰٪ کل تجارت مواد مخدر و تسلیحات کوچک بیش از یک میلیارد دلار در سال است. سلاح‌های کوچک کمک کرد تا شدیدترین زد و خوردها در دهه اخیر برافروخته شود و در سال ۲۰۰۱ مسوول مرگ تخمینی هزار نفر در روز که بیشتر از ۸۰ درصد قربانیان را زنان و بچه‌ها تشکیل می‌دادند گردیده است.

سلاح‌های کوچک تنها بخش کوچکی از مشکل هستند. بازار غیرقانونی مهمات، تانک‌های پیشرفته، سیستم‌های راداری که هواپیماهای جاسوسی را ردیابی می‌کنند و مهلک‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی بخشی دیگر از مشکلات را شامل می‌شود.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصدیق کرده است که طی دهه اخیر بیشتر از دوازده مورد از مواد قابل استفاده در تولید سلاح‌های هسته‌ای قاچاق گردیده و صدها مورد بیشتر گزارش شده و تحت تعقیب قانونی قرار گرفته است. عرضه واقعی فن‌آوری و مواد سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای ربهوده شده هنوز در حد بسیار کمی است. ولی زمینه تقاضا از هر دو طرف یعنی قدرت‌های هسته‌ای آینده و

در یونان و کره جنوبی حدود ۶۰ درصد و در آلمان و انگلستان حدود ۳۰ درصد می‌باشد. ۴۰ درصد شامپوهای Procter Gamble، ۶۰ درصد موتور سیکلت‌های هوندا که در سال ۲۰۰۱ در چین فروخته شده‌اند به طور غیرقانونی مورد معامله قرار گرفته‌اند. بیش از ۵۰ درصد داروهای پزشکی در نیجریه و تایلند نسخه‌های غیرواقعی می‌باشند. این مشکل صرفاً محدود به کالاهای مصرفی نیست. سازندگان ایتالیایی شیرهای صنعتی نگران آن هستند که بازار صادراتی دو میلیارد دلاری آنها در سال، توسط شیرآلات تقلبی چینی که در بازارهای جهانی به قیمت‌هایی تا ۴۰ درصد ارزان‌تر از نوع ایتالیایی آن به فروش می‌رسد به حاشیه رانده شود. هدایت کنندگان این فعالیت رو به توسعه بسیار پیچیده هستند. پیشرفت فناوری به طور آشکار تقاضا و عرضه کالاهای کپی شده غیرقانونی را رونق می‌بخشد. استفاده کنندگان از NABSTVE، شرکت اینترنتی که به هر کسی در هر جا اجازه می‌داد به طور رایگان آلبوم‌های موسیقی دارای حق مالکیت را پیاده و تولید مجدد نماید، ظرف کمتر از یک سال از صفر به ۲۰ میلیون نفر افزایش یافت. حدود ۵۰۰ هزار فیلم هر روز به طریق خدمات مشارکت

قانونی برای کنترل تسلیحات کوچک را بلوکه کرد. زیرا دولت آمریکا درخصوص محدودیت‌های مربوط به حقوق شهروندان خویش برای داشتن سلاح نگرانی‌هایی داشت. در غیاب قوانین و الزامات بین‌المللی مؤثر قوانین اقتصادی فروش سلاح‌های با ارزش تا قیمت‌های کمتر را دیکته می‌کند. در سال ۱۹۸۶ یک تفنگ AK-47 در شهر کلوا از کشور کنیا با پانزده گاو برابری می‌کرد. امروز قیمت این تفنگ تنها معادل ۴ رأس گاو می‌باشد.

مالکیت معنوی

در سال ۲۰۰۱ دو روز بعد از ضبط صدای یک فیلم در هالیوود، دنیس هوپر بازیگر این فیلم در شانگهای بود که یک فروشنده خیابانی نسخه‌ای فوق‌العاده اما غیرقانونی از فیلم را با صدای او به وی فروخت. او با تعجب اظهار می‌داشت: من نمی‌دانم آنها چگونه صدای مرا به این کشور وارد کرده‌اند پیش از آن که من حتی به اینجا رسیده باشم. تجربه هوپر یک بخش بسیار کوچک از تجارت غیرقانونی است که در سال ۲۰۰۱ حدود ۹/۴ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است. نرخ قاچاق نرم‌افزارهای تجاری در ژاپن و فرانسه ۴۰ درصد،

شیوه‌ای که ما این مشکل را با استدلال منطقی پذیرفته‌ایم آن است که فرض می‌کنیم مشتریان آنها با مشتریان ما متفاوت می‌باشند. شخصی که نمونه تقلبی از ساعت‌های ۵۰۰۰ دلاری ما را به قیمتی کمتر از ۱۰۰ دلار می‌خرد، بیشتر برای این است که ما او را از دست بدهیم. حتی شاید او مشتری باشد که روزی بخواهد به جای آن کالای تقلبی یکی از ساعت‌های ما را خریداری کند. ممکن است ما اشتباه کنیم و هزینه‌ای را برای مبارزه با قاچاق کالایمان صرف نماییم. اما از آنجا که تلاش‌های ما نمی‌تواند ما را آنچنان مواظبت کند، در نتیجه چشم‌هایمان را می‌بندیم و برای آینده‌ای بهتر امیدوار هستیم. این وضعیت برخلاف وضعیت شرکت‌هایی است که کالاهایی ارزان‌تر نظیر پوشاک، تولیدات موسیقی و فیلم‌های ویدئویی می‌فروشند که درآمد‌هایشان مستقیماً از جانب این نوع قاچاق کالا تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

دولت‌ها از شیوه‌های گوناگون به ویژه از طریق موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی درخصوص جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی، اقدام به محافظت از حقوق مالکیت معنوی کرده‌اند. چندین سازمان دیگر نظیر سازمان جهانی مالکیت معنوی، اقدام به

فایلی نظیر، "کازاومرفویس"، خرید و فروش می‌شود و در اواخر سال ۲۰۰۲ حدود ۹۰۰ میلیون فایل موزیک از طریق اینترنت قادر به پیاده شدن به طور مجانی بود. این رقم تقریباً ۲/۵ برابر فایل‌هایی است که در اوج فعالیت Nabstes در فوریه ۲۰۰۱ در دسترس همگان قرار داشت.

بازاریابی جهانی و استفاده از اسامی معروف نیز در این میان نقش ایفا می‌کند به طوری که هر روزه افراد بیشتری به کالاهای حامل اسامی شناخته شده نظیر پراواکارتیه روی می‌آورند. به لطف رشد و ادغام سریع در اقتصاد جهانی، کشورهایی همچون چین با دولت‌هایی ضعیف و با قوانین ناکارآمد، کالاهای معروف تقریباً بی‌عیب و نقصی را تولید و صادر می‌کنند که هم ارزان‌تر و هم کم‌خطرتر می‌باشند. بنابه اظهار رئیس یکی از شناخته شده‌ترین تولیدکنندگان ساعت مچی در سوئیس: ما اکنون با کالاهایی که توسط زندانیان چینی تولید می‌شود رقابت می‌کنیم. این تجارت توسط ارتش چین، خانواده‌ها و دوستان آنان، با استفاده از تقریباً همان ماشین‌آلاتی اداره می‌شود که آنها در نمایشگاه‌های صنعتی مشابه نمایشگاه‌هایی که مادر آنها شرکت می‌کنیم خریداری می‌شود.

محافظت از حقوق مالکیت معنوی کرده‌اند چندین سازمان دیگر نظیر سازمان جهانی مالکیت معنوی، اتحادیه جهانی گمرک و اینترپل نیز در این امر دخیل هستند. با این همه میزان گسترده رو به رشد این تجارت غیرقانونی با یک قدم زدن ساده در خیابان‌های مانهاتان یا مادرید نشان می‌دهد که دولت‌ها تا پیروزی در این مبارزه راهی بسیار طولانی در پیش دارند.

قاچاق انسان

مرد یا زنی که یک روسری تقلبی با مارک HERMES یا یک ساعت رولکس را در خیابان‌های میلان می‌فروشد، احتمالاً یک فرد خارجی است که به طور غیرقانونی در آن محل اقامت دارد. همچنین این فرد توسط یک شبکه قاچاق از چندین قاره به این محل منتقل شده است. شبکه‌ای که از سوی شبکه دیگری که در کبچی، تولید و توزیع غیرقانونی کالاهای با نام‌های مشهور فعالیت دارد، مورد کمک قرار می‌گیرد.

قاچاق انسان یک تجارت ۷ میلیارد لاری در سال می‌باشد که براساس یافته‌های سازمان ملل متحد یک تجارت و جرم سازمان

یافته با سرعت رشد بالا است. هر سال تقریباً ۵۰۰ هزار نفر به طور غیرقانونی وارد ایالات متحده می‌شوند که تقریباً معادل مهاجران غیرقانونی است که به اتحادیه اروپا می‌روند و این تعداد بخشی از ۱۵۰ میلیون نفری است که خارج از کشورهای اصلی خود زندگی می‌کنند. تعدادی از این مهاجران غیرمجاز، مهاجران داوطلبی هستند که برای عبور از چین به نیویورک تا ۳۵ هزار دلار به قاچاقچیان می‌پردازند. سایرین در عوض قاچاق می‌شوند بدین معنا که همچون کالا در سطح جهانی خرید و فروش می‌گردند.

سرویس تحقیقاتی کنگره امریکا گمان می‌برد که سالانه بین یک تا دو میلیون نفر که بیشتر آن‌ها زنان و کودکان هستند قاچاق می‌شوند. یک زن را مسی‌نوان در شهر تی‌می‌سوها‌را (رومانی) بین ۲۰۰-۵۰ دلار خرید و او را در اروپای غربی به ده‌ها برابر قیمت خرید به فروش رساند. صندوق کودکان سازمان ملل تخمین می‌زند که قاچاقچیان در آفریقای غربی و مرکزی، سالانه ۲۰۰ هزار کودک را به بردگی می‌برند. این قاچاقچیان ابتدا قربانیان خود را با پیشنهادات شغلی و در مورد کودکان با پیشنهاد فرزند خواندگی در خانواده‌های ثروتمند فریب

متحده با چالش بزرگتری مواجه هستند زیرا فشار مهاجران بر توانایی آنها در کنترل ورود این مهاجران غیرقانونی تفوق دارد.

تطهیر پول

جزایر "کایمان" دارای جمعیتی حدود ۳۶۰۰۰ نفر است. این جزیره همچنین دارای ۲۲۰۰ حساب مشترک، ۵۰۰ شرکت بیمه، ۶۰ هزار شرکت تجاری و ۶۰۰ بانک و صندوق با سرمایه‌ای در حدود ۸۰۰ میلیون دلار می‌باشد. تعجب‌آور نیست که این جزیره به طور شاخصی در هرگونه بحث مربوط به تطهیر پول مطرح می‌شود. این امر درخصوص ایالات متحده نیز صدق می‌کند که چندین بانک بزرگ آن در تحقیقات مربوط به تطهیر پول، فرار مالیاتی و تقلب درگیر هستند. تعداد بسیار کمی از کشورها می‌توانند ادعا کنند که عاری از شیوه‌های مربوط به کمک به افراد و شرکت‌ها برای پنهان ساختن دارایی‌هایشان از دولت‌ها، اعتباردهندگان، شرکای تجاری و حتی اعضای خانواده آنها می‌باشند که این امر شامل عملیات مربوط به فرار مالیاتی، قمار و سایر جرایم است. میزان تطهیر پول در سطح جهان بین دو تا پنج درصد تولید ناخالص ملی کلیه کشورها یا بین ۸۰۰ تا

می‌دهند و سپس این قربانیان را با خشونت جسمی، تعهدات مالی، مصادره گذرنامه و تهدیدهای دستگیری، بازگرداندن، یا خشونت علیه خانواده‌های آنها در کشورهایشان به خدمت خویش می‌گیرند.

دولت‌ها در همه جا در حال تصویب قوانین سخت‌تر مهاجرتی و تخصیص وقت، منابع مالی و فن‌آوری بیشتر به منظور مبارزه با جریان مهاجران غیرقانونی هستند، اما سرنوشت دولت بریتانیای کبیر نشانگر آن است که چقدر این مبارزه سخت است. دولت بریتانیا برای حل این مشکل پول صرف می‌کند، از نیروی هوایی و نیروی دریایی سلطنتی برای جلوگیری از ورود مهاجران غیرقانونی بهره می‌گیرند و جریمه‌های سنگین بر رانندگان کامیون‌هایی که این انسان‌ها را حمل و نقل می‌کنند وضع می‌نمایند. با این حال ۴۲ هزار نفر از ۵۰ هزار پناهنده‌ای که از طریق اردوگاه "سانگات" در طول ۳۰ سال گذشته اقدام به ورود به بریتانیا کرده‌اند در این امر موفق بوده‌اند. به نرخ‌های امروز ۴۳ سال طول خواهد کشید تا بریتانیا مشکل پناه جویی خود را حل کند و آن کشور یک جزیره است و کشورهایی که مرزهای خشکی دارند نظیر اسپانیا، ایتالیا و ایالات

۲۰۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

قاچاق پون، سکه‌های طلا و سایر اشیای با ارزش، تجارتی باستانی می‌باشد. با این حال در طول دو دهه گذشته تحولات جدید سیاسی و اقتصادی در تلافی با تغییرات تکنولوژیک، این تجارت باستانی را سهل‌تر، ارزان‌تر و کم‌خطرتر کرده است. تغییرات سیاسی منجر به مقررات زدایی از بازارهای مالی گردید که اکنون نقل و انتقال پول را در آن سوی مرزها تسهیل می‌کند و تغییرات تکنولوژیک، موجب کم‌اهمیت‌تر شدن عامل فاصله و کمتر فیزیکی شدن پول گردید. هنوز هم چمدان‌های پر از اسکناس و وسیله‌ای کلیدی برای تطهیر کنندگان پول محسوب می‌شود اما رایانه‌ها، اینترنت و طرح‌های پیچیده‌ای که روش‌های قسانونی و غیرقانونی را در هم می‌آمیزد، عمومی‌تر هستند. پیچیدگی فن‌آوری و شبکه غامض مؤسسات مالی که جهان را به هم می‌پیوندد و سهولتی که با آن منابع و پول‌های کثیف می‌تواند به طور الکترونیکی با سرمایه‌های مشروع و قانونی یکی شود، کار تنظیم جریان‌های بین‌المللی پول را وظیفه‌ای دشوار می‌سازد. برای مثال در روسیه تخمین زده می‌شود که تا اواسط دهه ۱۹۹۰ گروه‌های

سازمان یافته بزهکار تعداد ۷۰۰ مؤسسه قانونی و مالی برای تطهیر پول‌هایشان تأسیس کرده بودند.

دولت‌ها در مواجهه با این شبکه رو به رشد، بر تلاش‌های خود برای تعطیلی و از کار انداختن بانکداری بین‌المللی متخلف، پناهگاه‌های مالیاتی و تطهیر پول، افزوده‌اند. معرفی در حجم وسیع و قریب الوقوع کارت‌های الکترونیکی پول، با میکروچیپ‌هایی که قادر به ذخیره میزان زیادی پول و انتقال آسان آن خارج از کانال‌های مرسوم یا حتی مبادله آن میان اشخاص می‌باشد، این چالش را فقط گسترده‌تر خواهد کرد.

چرا دولت‌ها قادر به پیروزی نیستند

تغییرات بنیادینی که در طول دهه گذشته این پنج جنگ را تشدید کرده‌اند، احتمالاً پایدار خواهد ماند. فن‌آوری به طور گسترده‌ای منتشر خواهد شد و شبکه‌های جنایی قادر خواهند بود که سریع‌تر از دولت‌ها از امکانات تکنولوژیک بهره‌برداری نمایند زیرا دولت‌ها مجبورند خود را با منابع بودجه‌ای کم، بوروکراسی پیچیده، نظارت رسانه‌های ارتباط جمعی و نیز رای دهندگان منطبق نمایند.

حوزه جغرافیایی

برخی از انواع تبهکاری‌ها همواره دارای یک بخش بین‌المللی هستند. مافیا در سیسیل تولد و سپس به ایالات متحده صادر گردید و فاسچاق همیشه به لحاظ مفهومی، ماهیت بین‌المللی داشته است. اما این پنج نبرد در حقیقت جهانی هستند. خط مقدم جبهه جنگ علیه مواد مخدر کجاست؟ شهر میامی یا کشور کلمبیا؟ میانمار یا میلان؟ نبرد علیه تطهیر پول در کجا انجام میگیرد؟ در نارو یا لندن؟ آیا چین صحنه اصلی جنگ علیه تجاوز به حقوق مالکیت معنوی است یا آثار این جنگ را در اینترنت می‌توان دنبال کرد؟

شبکه‌های تبهکاری با ایده‌های مرسوم حاکمیت مقابله می‌کنند

اعضای القاعده دارای گذرنامه و ملیت هستند و اغلب آنها بیش از یک گذرنامه و ملیت دارند اما در حقیقت آنان تابعیت هیچ کشوری را دارا نمی‌باشند. آنان به هیچ ملتی وفادار نیستند بلکه فقط به انگیزه‌های خویش وفادارند. این امر در مورد شبکه‌های تبهکاری که درگیر پنج نبرد بیان شده هستند نیز صدق می‌کند، اگر چه این موضوع در مورد کارمندان دولتی نظیر افسران

تجارت بین‌المللی رشد خواهد کرد و به این ترتیب پوشش بیشتری برای گسترش تجارت غیرقانونی فراهم خواهد آورد. مهاجرت بین‌المللی نیز گسترش یافته و باعث رشد اعضا و قربانیان باندهای تبهکار قومی خواهد شد. گسترش دموکراسی نیز ممکن است به کمک کارتل‌های بزهکاری که می‌توانند با نفوذ در سازمان‌ها و نهادهای ضعیف دولتی و فاسد ساختن افسران پلیس یا اغوای سیاست‌مداران، با پول که به خاطر هزینه‌های سنگین انتخاباتی نیازمند آن می‌باشند، به اهداف خود نایل گردند. اتفاقاً گسترش قوانین بین‌المللی نیز موجب رشد شبکه تحریم‌ها و کنوانسیون‌ها و به تبع آن فراهم ساختن فرصت‌های جدید برای تبهکاران به منظور تهیه کالاهای ممنوع برای آن دسته از کشورهایی که در تحریم بین‌المللی قرار دارند، خواهد شد.

هر یک از این تغییرات ممکن است پنج نبرد مذکور را به شیوه‌ای متفاوت تحت تأثیر قرار دهد اما این چالش‌ها همچنان در چهار ویژگی زیر سهیم خواهند بود:

محصور نبودن شبکه‌های تبهکاری در یک

پلیس، مأموران گمرکی و قضات که با این تبهکاران مبارزه می‌کنند مصداق ندارد. این تقارن امتیازی برای دولت‌هایی است که در حال نبرد هستند. باندهای تبهکار با درآمدهای بالا، انگیزه قوی و جنگجویان مجهز که در یک طرف این نبردها قرار دارند می‌توانند در قلمرو کشورها پناه بسته و از این امتیاز استفاده کنند و اما جنگجویان طرف دیگر یعنی حکومت‌ها دارای منابع کمتر بوده و از جانب ایده‌های سستی مربوط به حاکمیت محدود می‌گردند. یک مقام ارشد سابق CIA اظهار داشت که باندهای تبهکاری بین‌المللی قادر به انتقال افراد، پول و اسلحه در سطح جهانی حتی سریع‌تر از قدرت انتقال این منابع در درون سازمان تحت امر او می‌باشند و در سطح کشوری این سرعت حتی بیشتر نیز می‌باشد.

هماهنگی و تسادل اطلاعات میان آژانس‌های دولتی در کشورهای مختلف به‌طور قابل توجهی به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر بهبود یافته است، اما این شیوه‌ها قادر نیستند که با سازمان‌های متخصصی که قادر به بهره‌برداری از نهاد ناقص اما در حال پیدایش حقوق بین‌الملل و معاهدات چندجانبه

هستند مبارزه کنند.

باندهای تبهکار نیروهای بازار را به رقابت با دولت‌ها وا می‌دارند.

در هر یک از این پنج نیرو یک یا چند سازمان دولتی برای محدود کردن اقدامات هزاران سازمان تبهکار مستقل و بدون مرز به گونه‌ای ناهماهنگ و جدا از هم مبارزه می‌کنند. این گروه‌های تبهکار به واسطه منافع سرشار، بهره‌برداری از متغیرهای هزینه‌های بین‌المللی، تقاضای ارضاکننده یا منافع حاصل از دزدی دارای انگیزه‌های قوی هستند. دستمزد هر ساعت کار برای یک آشپز چینی در مانهاتان به مراتب بیشتر از فوجی بان (چین) است. یک گرم کوکائین در کانزاسیتی ۱۷۰ برابر گران‌تر از قیمت آن در بوگوئا است. شیرآلات تقلبی ایتالیایی ۴۰ درصد ارزان‌تر از نوع اصیل آن می‌باشد. یک گروه شورشی که دارای منابع مالی قابل توجهی نیست حاضر است هر رقمی را بسرای بسه دست آوردن سلاح‌های مورد نیازش بپردازد. در هر یک از این پنج نبرد انگیزه‌های غلبه موفقیت‌آمیز بر محدودیت‌های اعمال شده از جانب دولت‌ها نزد باندهای

فرماندهی یا دفاتر مرکزی می‌باشند و بدین ترتیب هیچ فرد یا رهبر مشخصی را نمی‌توان مورد هدف قرار داد. این شبکه‌ها به طور کلی دارای سلسله مراتب اندکی^۱ می‌باشند و ممکن است رهبران چندگانه‌ای برای آنها وجود داشته باشد... بنابراین طراحی سازمان گاهی اوقات ممکن است فاقد رهبری به نظر آید، و در پاره‌ای موارد دیگر ممکن است دارای چندین رهبر به نظر برسد. دولت‌ها به این چالش‌ها نوعاً با تشکیل گروه‌های ویژه درون سازمانی یا ایجاد نهادهای جدید پاسخ می‌دهند. در این ارتباط ایجاد سازمان جدید امنیت داخلی یا امنیت سرزمینی در ایالات متحده را در نظر بگیرید که در کنار ۲۲ سازمان فدرال پیشین و ۱۷۰ هزار کارمند شاغل در آنها مسؤول مبارزه با مواد مخدر می‌باشد.

تجدید نظر در مورد مسأله

دولت‌ها ممکن است هرگز قادر به ریشه کن ساختن تجارت بین‌المللی دخیل در این پنج نبرد نباشند، اما آنها می‌توانند و باید که بهتر از این عمل کنند. دست کم چهار حوزه وجود دارد که تلاش‌های دولت‌ها می‌تواند به

تبهکار بسیار قوی است.

بساندهای تبهکار شبکه‌ها را به رقابت با بوروکراسی‌ها می‌دارند

همان شبکه‌ای که زنان اروپای شرقی را به برلین قاچاق می‌کند ممکن است در توزیع تریاک در این شهر نیز دخالت داشته باشند. منافع سرشار از قاچاق مواد مخدر صرف خرید ساعت‌های تقلبی با مارک Bulgani ساخت چین و فروش آنها در خیابان‌های مانهاتان توسط مهاجران غیرقانونی آفریقایی می‌شود. کارتل‌های مواد مخدر کلمبیایی با قاچاقچیان اسلحه اوکراینی معامله می‌کنند درحالی که دلال وال استریت که از سوی مافیای مستمر در امریکا کنترل می‌شوند، از سوی تطهیر کنندگان پول روسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. این گروه‌ها و افراد بسیار نامتمرکز، توسط ارتباطات قوی و اهداف مشترک متحد بوده و پیرامون مجموعه‌های نیمه خودمختار که قادر به عملیات سریع و منعطف هستند، سازمان یافته‌اند. جان آرکیلا و دیوید ران فلد دو تن از بهترین کارشناسان اینگونه سازمان‌ها اظهار می‌دارند که شبکه‌ها اغلب فاقد رهبری

جنگ در این پنج میدان نبرد روبرو خواهند شد.

تقویت نهادهای چندجانبه کنونی

ماهیت جهانی این جنگ‌ها بدان گونه است که هیچ دولتی صرف‌نظر از قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی خود قادر نیست به تنهایی پیشرفت چندانی در آن داشته باشد. اگر این امر به نظر روشن می‌رسد پس چگونه است که اینترپل، آژانس بین‌المللی مسؤل مبارزه با جرایم بین‌المللی، فقط ۳۸۴ کارمند دارد. که از این تعداد نیز تنها ۱۱۲ نفر افسر پلیس می‌باشند و بودجه سالانه‌اش ۲۸ میلیون دلار است که کمتر از قیمت برخی از انواع قایق یا هواپیماهای مورد استفاده از سوی قاچاقچیان مواد مخدر محسوب می‌شود؟ همچنین یوروپول، معادل اروپایی اینترپل نیز تعداد ۲۴۰ نفر کارمند و ۵۱ میلیون دلار بودجه دارد.

یکی از دلایل این که اینترپل دارای منابع مالی و پرسنل کافی نمی‌باشد، عدم اعتماد ۱۸۱ کشور عضو این آژانس به همدیگر است. بسیاری از کشورها این‌گونه تصور می‌کنند و شاید به درستی، شبکه‌های تبهکاری در ادارات

ایده‌های بهتر درخصوص چگونگی مبارزه با مشکلات ناشی از این جنگ‌ها منجر شود.

ایجاد ایده‌های انعطاف پذیرتری از حاکمیت

دولت‌ها نیازمند درک این امر هستند که محدود ساختن دامنه اقدامات چندجانبه به منظور محافظت از حاکمیت‌شان اغلب نکته‌ای قابل بحث است. حاکمیت این دولت‌ها هر روزه نه به وسیله دولت-ملت‌ها بلکه از سوی شبکه‌های فرامرزی و فاقد ملیت خاص که در جستجوی تجارت، قوانین را می‌شکنند، در معرض خطر قرار می‌گیرند. برای مثال در ماه مه ۱۹۹۹ دولت ونزوئلا از اعطای مجوز عبور به هواپیماهای امریکایی برای پرواز برفراز ونزوئلا به منظور کنترل مسیرهای هوایی مورد استفاده قاچاقچیان مواد مخدر خودداری کرد. مقامات ونزوئلایی اهمیت بیشتری برای ارزش نهادین حاکمیت بر حریم هوایی کشورشان قائل شدند در حالی که در حقیقت قاچاقچیان مواد مخدر با هواپیماهای خود مرتباً خاک ونزوئلا را مسورد تعرض قرار می‌دادند. بدون داشتن تعاریف جدید از حاکمیت و چگونگی مدیریت آن دولت‌ها همچنان با موانع بزرگی برای

براساس کنوانسیون ژنو را مورد بازنگری قرار دهند. کارکردهای عوامل اطلاعاتی، سربازان، افسران پلیس، مأموران گمرکی یا افسران مهاجرت نیز نیازمند تجدید نظر و انطباق با واقعیات جدید می‌باشد. سیاست‌گزاران نیز هنگامی که به شیوه‌های مبارزه در این پنج نبرد می‌اندیشند، لازم است این ایده را مورد تجدید نظر قرار دهند که مالکیت اساساً یک واقعیت فیزیکی است نه یک مفهوم مجازی و یا این که تنها دولت‌های حاکم قادرند به انتشار پول مبادرت ورزند.

تغییر شیوه از سرکوبی به طرف منظم سازی
شکست دادن نیروهای بازار تقریباً غیرممکن است. در پاره‌ای موارد ممکن است این واقعیت دولت‌ها را از سرکوبی بازار به سمت تنظیم آن هدایت کند. در سایر موارد، ایجاد انگیزه‌های بازار ممکن است بهتر از به کارگیری تشکیلات اداری جهت مهار اعتدالی‌های این بازار باشد. غالباً فن‌آوری بیش از سیاست‌های دولتی قادر به انجام امور است. برای مثال تکنیک‌های پنهان‌سازی قوی بهتر می‌تواند از تکثیر غیرقانونی نرم‌افزارها و

پلیس سایر کشورها رخنه کرده و به این ترتیب، تبادل اطلاعات با چنین مقامات سازشکاری، عاقلانه نخواهد بود. بعضی دیگر از آن می‌توسند که دوستان امروز، دشمنان فردا شوند. با این حال کشورهای دیگری هستند که با موانع قانونی برای تبادل اطلاعات با سایر دول مواجه بوده یا دارای سرویس‌های اطلاعاتی و سازمان‌های انتظامی هستند که با فرهنگ خاص خود، همکاری مؤثر را تقریباً غیرممکن می‌سازند.

تنها در صورتی که دولت‌های جهانی تحت سازمان‌های چندجانبه مؤثرتر و قوی‌تری متحد شوند، می‌توان به پیشرفت‌هایی در این زمینه دست یافت.

ایجاد ساز و کار و نهادهای جدید
این پنج نبرد بسیاری از نهادهای کنونی، چارچوب‌های قانونی، شیوه‌های نظامی، سیستم‌های تسلیحاتی و روش‌های اجرای قانون را که دولت‌ها مدت‌های مدید بر آن تکیه داشته‌اند، منسوخ و قدیمی کرده است. لازم است که تحلیل‌گران مفهوم جبهه‌های جنگ در تعاریف جغرافیا و نیز تعریف جنگجویان

مشکلاتی باشند که شیوه‌های مبتنی بر تحریم و پیشگیری مسلحانه از تجارت بین‌المللی، در مقابل آن‌ها ناتوان بوده است.

سرانجام، دولت‌ها، سیاست‌مداران و رأی دهندگان باید درک کنند که روش مبارزه جهانی در این پنج جنگ محکوم به شکست است، نه به خاطر آن که تلاش کافی در این زمینه صورت نمی‌گیرد یا منافع و اراده سیاسی لازم برای پیشبرد این نبردها وجود ندارد بلکه به این سبب که تفکر جمعی هدایت‌گر استراتژی‌های دولت در این پنج جنگ ریشه در ایده‌های نادرست، فرضیات باطل و نهاد‌های از کار افتاده و منسوخ دارد. فهم این نکته که دولت‌ها هیچ شانس‌ی برای پیروزی ندارند مگر آن که روش‌های خود را در مبارزه تغییر دهند، یک گام اولیه ضروری در جستجوی راه‌حل‌ها می‌باشد.

نعمت ندری

اداره کل آسیای شرقی و اقیانوسیه

لوح‌های فشرده در اوکراین پیشگیری کند تا این که آن کشور را وادار به رعایت حق ثبت اختراعات، حق تألیف و نیز مراعات علائم تجاری نمود.

در تمامی این پنج نبرد، آژانس‌های دولتی علیه شبکه‌هایی می‌جنگند که تمامشان دارای انگیزه‌های قوی برای فرصت‌های سودآور هستند، انگیزه‌هایی که خود از جانب سایر مؤسسات دولتی ایجاد شده‌اند. در کلیه این موارد آثار این منافع را می‌توان در شکلی از دخالت حکومت یافت که این دخالت، عدم توازن چشمگیری را بین عرضه و تقاضا ایجاد کرده و باعث افزایش نجومی اختلاف قیمت‌ها با حاشیه سود می‌گردد. در بعضی موارد، دخالت دولت‌ها اغلب توجیه پذیر بوده و حذف آنها عاقلانه نمی‌باشد. دولت‌ها نمی‌توانند به سادگی از مبارزه علیه قاچاق هروئین، انسان و سلاح‌های کشتار جمعی چشم‌پوشند، اما جامعه می‌تواند با دیگر بخش‌های این قبیل تجارت‌های غیرقانونی، از طریق منظم سازی و نه تحریم، بهتر مبارزه کند. سیاست‌گزاران باید تلاش‌هایشان را برای فرصت‌هایی متمرکز کنند که با منظم ساختن بازار قادر به اصلاح